

۲۰۱۴۹۸۰

قصه های باران و ماه

او ادا آکی ناری

(نسخه کامل)

به همراه تفسیر قصه ها

ترجمه: قوام الدین رضوی





فروشگاه www.joghdpub.ir

joghdbook@gmail.com

@joghdbook

[joghd.ketab](https://www.joghd.ketab)



موسسه انتشارات جغد

شماره تماس، واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۰۰۳۷۱۹۳

تهران: صندوق پستی ۱۴۷-۱۶۶۳۵



آب زندگی است

قصه‌های باران و ماه: داستان‌های ناری

مترجم: دکتر قوام‌الدین رضوی زاده

مدیر هنری و طراح جلد: بنفشه خورشیدی

صفحه‌آرایی: کارگاه جغد

چاپ: قشقای

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

ISBN: 978-622-6467-01-8

سرشناسه: اوئدا، آکیناری، ۱۷۳۴ - ۱۸۰۹م. Ueda, Akinari

عنوان و نام پدیدآور: قصه‌های باران و ماه (نسخه کامل) به همراه تفسیر قصه‌ها/اوادا آکیناری

ترجمه قوام‌الدین رضوی زاده. ۱۳۲۷ - مترجم

مشخصات نشر: تهران: نشر جغد، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص: ۵/۲۱x۵/۱۴ - س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۶۷-۰۱-۸

یادداشت: عنوان اصلی: Ugetsu monogatari.

یادداشت: کتاب حاضر از متن فرانسه با عنوان "Contes de pluie et de lune" به فارسی ترجمه شده است.

موضوع: داستان‌های ژاپنی - قرن ۱۸م.

موضوع: Japanese fiction -- 18th century

شناسه افزوده: Razavizadeh Ghavameddin

رده بندی کنگره: ۵۸۱۳۹۷ ق ۸/الف ۷۹۴/۱۷۹۴ PLV

رده بندی دیویی: ۷۳۵/۸۹۵

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب به هر شکل برای نشر جغد محفوظ است.

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان



۵	پیشگفتار
۶	او ادا آکی ناری
۱۲	او گتسو - مونو گاتاری
۱۷	سیک و ترجمه
۱۹	داشتی درباره تلفظ کلمات ژاپنی
۲۰	قصه های باران
۲۱	پیشگفتار
۲۲	۱- شی می نه
۴۱	۲- وعده دیدار به فصل گل داوودی
۵۸	۳- کلبه ای میان نی زار
۷۶	۴- ماهی های کپور آن گونه که به خواب می آیند
۸۵	۵- پوپ پوسو
۱۰۱	۶- دیگچه کی بی تسو
۱۱۶	۷- هوس ناپاک یک مار
۱۴۵	۸- باشلق آبی
۱۵۸	۹- مباحثه درباره فقر و ثروت
۱۷۲	تفسیر قصه ها
۱۷۴	شی را می نه
۱۸۱	وعده دیدار به فصل گل داوودی
۱۸۵	کلبه ای میان نی زار
۱۸۸	ماهی های کپور آن گونه که به خواب می آیند
۱۹۱	پوپ پوسو
۱۹۵	دیگچه کی بی تسو
۱۹۹	هوس ناپاک یک مار
۲۰۳	باشلق آبی
۲۰۶	مباحثه درباره فقر و ثروت

پیشگفتار

در دوران حکومت توکو گاواها، از نخستین سال‌های قرن هفدهم میلادی تا حدود میانه قرن نوزدهم، ژاپن به مدت دو قرن و نیم در خود فرو رفته و جز از طریق محدود کشتی‌های چین، یا هلندی که در ناگاساکی پهلو می‌گرفتند، با دنیای بیرون رابطه‌ای نداشت. به مدت دو سده و پانزده سال، در آرامشی تقریباً کامل، این کشور زیر سلطهٔ تشکیلاتی به شدت متمرکز، ستخوش هیجان روشنفکری فوق‌العاده‌ای در فضایی بسته بود که می‌بایست مجارساتی ۱۸۶۸ را تدارک می‌دید.

به قدرت رسیدن توکو گاوا به یاسر حدود سال ۱۶۰۰م، از سوی همهٔ مردم کشور ویران شده به دنبال کشمکش‌های ملوکانه، از بی‌دری دو قرن پیش، تهنیت گفته شده بود. حکومت شوگون‌ها در ادو یعنی توکیو امروز برپا شده بود اما کیوتو پایتخت امپراتوری، و نیز پایتخت ادبیات و سلیقه‌های نیکو باقی می‌ماند. با این حال کیوتو به زودی باید این عنوان آخری را با اساکا به درگنان توانگرش بیش از درباریان خانه خراب شده‌اش، توانایی آن را داشتند که از این پس زندگی رمان‌نویسان و هنرمندان تئاتر را اداره کنند، تقسیم می‌کرد. کیوتو آن‌که تنها حیوانه به عنوان پایتخت سلیقه‌های نیکوی خود تأکید ورزید، اما اساکا به داوری انتخاب‌ها روش تازه‌ای ابداع کرد که دیگر به شیوهٔ قدما نبوده و به مراتب معقول‌تر باشد.

خلاصه آن که در تمام طول قرن هفده میلادی و به ویژه حوالی سال‌های ۱۷۶۰، اساکا پایتخت ادبی واقعی کشور بود.

با این حال، حکومت واقعی که بورژواهای اساکا را در ناتوانی بیش از پیش تام و تمامی نگاه می‌داشت در ادو بود. رفته رفته زندگی روشنفکری، اگر نگوییم

زندگی اقتصادی ژاپن می‌رفت که در این شهر ریشه گیرد، شهری که از قصبه‌ای ناچیز و گم شده در زمین‌های باتلاقی، به دست خانواده توکوگاوا به پایتختی با بازارها، مدرسه‌ها و ادارات خود تبدیل شده بود. ادبیات و تئاتر حرکتی را دنبال کردند و افول آساکا دلیل دیگری به جز بالا گرفتن سریع قدرت در ادو نداشت. در ۱۸۶۸، امپراطور، می‌جی اقتدار خویش را به کار گرفت و «پایتخت شرقی» خویش را به توکیو را به طور رسمی بنیان گذاشت.

او ادا آکی ناری

او ادا آکی ناری، آنتننده *Ugetsu-monogatari*، دقیقاً در نقطه اتصال دو دوره از عصر خنجره توکوگاوا قرار می‌گیرد. اگر خود او در آساکا و سپس در کیوتو زندگی کرد، بدن معناییست که در ابداع ادبیات پرشور دوران ادو کمتر نقش داشته است. براساس نخستین شواهد، او آخرین نویسنده بزرگ مکتب آساکا و براساس *Ugetsu-monogatari* و مطالعات زبان‌شناسی‌اش، بنیان‌گذار اسلوب ادو است. کیوکوته‌ای باکین^۱ (۱۶۴۸-۱۷۶۷) بزرگترین رمان‌نویس دوران ادو یکی از صمیمی‌ترین ستایش‌گران آکی ناری بود و آشکارا برارزش‌ها و اعتبار او تکیه می‌کرد.

برپایه تولد و زندگی‌اش تا سن سی سالگی، آکی ناری می‌توانست قهرمان یکی از رمان‌های ای‌هاراسای کاکو^۲ (۱۶۹۳-۱۶۴۲)، مشهورترین و پربیننده‌ترین مکتب آساکا باشد. او به سال ۱۷۳۴ در *Sonegaki* محله لذت‌جویی شهر آساکا که محله بیشتر رمان‌های ای‌هاراسای کاکو و نیز برخی از درام‌های شی کامامسو^۳ و نازامون^۴ (۱۶۵۳-۱۷۲۴) مشهور به «شکسپیر ژاپن» است از یک روسپی درباری و پدری

^۱Kyokutei Bakin

^۲Thara Saikaku

^۳Chikamatsu Monzaemon

ناشناس به دنیا آمد. در چهار سالگی مادر او را رها کرد، و این اقبال زندگی اش بود زیرا از سوی بازرگان صالحی که او ادا نام داشت و در کار تجارت کاغذ و روغن بود و دختر یک و یک دانه‌ای داشت به فرزند خواندگی پذیرفته شد. خانواده او ادا که از این پس او نام خانوادگی آنها را می‌پذیرد، به نظر می‌آید که در اصل نظامی بوده‌اند و بنابراین با پرداختن به کار بازرگانی از طبقه خود بریده بودند و از آنجا که نوعی اندوه از این دورافتگی در نزد قهرمانان جوان قصه‌های آکی‌ناری می‌یابیم. زوج او ادا به فرزند خوانده خود وابسته بودند و با فداکاری از او مراقبت می‌کردند تا آنکه در سال ۱۷۳۸ به بیماری آبله دچار شد. کودک از بیماری نجات یافت، ولی مادر از بیماری که به نوبه خود بدان دچار شده بود درگذشت. پدر تقریباً خیلی زود دوباره ازدواج کرد و آکی‌ناری مادر خوانده تازه‌ای که به همان اندازه مادر خوانده نخستین غایب به یافت. با این حال بیماری در کودک نشانه‌هایی به جای گذاشته بود و آن هم این که بسیاری از انگشتانش فلج شده بود تا اندازه‌ای که تشخیص داده شد که ممکن نیست هرگز بتواند قلم مویی بدست بگیرد؛ با این حال بعدها آکی‌ناری به بهای تلاشی بسیار، پسین کار نایل آمد، اما هرگز خطاط زبردستی نشد، چیزی که در آن زمان برای یک ادیب، نقصی تقریباً ناقض این حرفه بود. چیزی که دردآورتر بود آن که در نتیجه این نقص، تحصیلات نخستین‌اش نادیده گرفته شد و او جوانی‌اش را به بطالت و تفریح سپرد. در بین نتیجه بیماری‌اش که هیچگاه تکذیب نشده، آیین پرستش ایزد رویه‌ای ناری^۱ است، بدین معنا که پدرش به او آموخته بود که درمان خود را تنها مدیون معجزه این ایزد است. آکی‌ناری در تمام دوران زندگی‌اش، هرگز زیارت ماهانه معبد آکی‌ناری را که تعهد کرده بود ترک نکرد. همچنین ادعا شده است که او هیچگاه اعتقاد مذهبی دیگری بجز پرستش ایزد آکی‌ناری نداشت. شاید چنین باشد، اما در این خصوص باور او از خرافات توده مردم که مرتبط با آیین پرستش ایزد آکی‌ناری است، بسیار

^۱ Inari

فاصله دارد. کافی است *Ugetsu-monogatari* را خوانده باشیم تا در این باره متقاعد شویم.

زندگی آکی ناری جوان تا حدود بیست و پنج سالگی به هیچ وجه با زندگی پسران بازرگانان مرفه شهر تفاوتی ندارد و همان است که ای هاراسای کاکو ترسیم نموده است. با این حال او پیش از این عقب افتادگی خود را جبران نموده بود، زیرا بسیار می خواند و اشعاری در قالب های کایی (*haikai*) که قالب بسیار متداولی بود می سرود. عیاشی خیلی زود او را زده کرد چون خودش برای ما می گوید که «از مراب، سیگا، ادبا و ثروتمندان بیزار بوده. در ۱۷۶۰ با زنی ازدواج کرد که خودش برنکزی بود، اما با ملاحمت، ذکاوت و توداری خود موفق شد که بر او تسلط شدیدی بیابد. این ازدواج و علاقه بر آن مرگ پدرش در ۱۷۶۱ او را کاملاً از بی عملی بیرون کشید و در آن ماهی مهمی قرار داد. او که همواره شغل بازرگانی را تحقیر می کرد، اینکه خرد بازرگانی شد. تا ده سال شغل تجارت را با شرافتمندی دنبال کرد و در همه چیز از جلدان و ریش مایه می گذاشت، بی آن که شور و شوقی به خرج دهد؛ همین هم شد که در ۱۷۷۱ با زنی سبک باری سوختن خانه خود را نظاره کرد. از هستی ساقط شده بود و مجبور بود که مشغله های تازه ای برای خود بجوید اما از قید و بندهای حرفه ای منفوررها رها نشده بود. از سویی مدت ها بود که تصمیم خود را گرفته بود و آن هم این که نویسنده شود. در ۱۷۷۱ به این طرف دو مجموعه قصه به سبک داستان های بدون تحرک *Ugetsu-zōshi* «سازان حکایت های دنیای بی اراده» از نوع جلف و سبک و متمایل به بی نزاکت منتشر کرده بود. آکی ناری نزدیکان خویش را با طنزی اندک گزنده ریشخند می کرد و به نظر می آید کسانی که گمان بردند تصویر خود را در آن آثار می بیند، آزرده خاطر ساخت. در مجموع او به جز بهره بردن از مشاهدات جمع آوری شده در دوران جوانی اش کاری نکرده بود. با این حال سبک کار جز در مواردی او را خوش نمی آمد. به عنوان نخستین قواعد بازی، او استادی خود را در آنچه که ادبیات مطابق سلیقه روز خوانده می شد به اثبات رسانده بود. اما از پیش به *Ugetsu* می اندیشید زیرا که

پیشگفتارش تاریخ ۱۷۶۸ را دارد. این که چنین پیشگفتاری هشت سال بر چاپ اثر پیشی گرفته و این که به هر حال به دلیلی مبهم که تنها خود از آن آگاه بوده بر پیشگفتار تاریخی جلوتر گذاشته، اهمیت چندانی ندارد. آنچه باید از این تاریخ برداشت نمود، آن است که این زمان برایش نشانه زاده شدن اندیشه شکل ادبی جدیدی بود که او برای نخستین بار به طرز درخشانی در تدارک به کار گرفتنش بود.

فرض بر آن است که سال ۱۷۶۸ تاریخ نخستین روایت *Ugetsu* است و اگر او سرانجام اثر تا این اندازه تأخیر کرده بود، به دلیل حادثه بزرگی بود که به وقوع پیوسته بود و آن همان بود که در ۱۷۷۰ درک ادبی او دگرگون شده بود. در واقع در این سال کاتاماک^۱ عالم زبان‌شناس به آساکا آمده بود تا در آنجا اقامت کند. آکی‌ناری به کتابخانه مکتب او در آمده بود و آنچه در آن مکتب آموخته بود او را مصمم ساخت بر رد کردن همه هایش را از سرتا ته بازنویسی کند. پس از آن تأخیر طولانی به دنبال آتس‌سور^۲ رخا^۳ش پیش آمد که او را در وضعیت کسب معاش قرار داد. به یاری نظریه^۴ کاتاماک^۵ و اصلاح^۶ غفلت‌ها یا عدم مهارت‌هایی را در نگارش کنونی یادآوری می‌نماید. همان اندازه نشان از روایتی ابتدایی دارد. در این موقعیت فرصتی برای پی‌گیری تمام دایلی که در جهت تأیید یا عدم تأیید این فرضیه است وجود ندارد. من برخی از این دلایل را در توضیح‌های مختصری که به دنبال ترجمه اثر آمده است برشمرده‌ام. هیچ کدام قطعاً به نظر نمی‌آیند. در نهایت می‌توان پذیرفت که نویسنده موفق شده است که تمام اثر انجام گرفته در ۱۷۶۸ را بازنویسی کند؛ اما چرا از این نخستین روایت رد پاها^۷ نامحسوس را به جای گذاشته است که به نظر منتقدان ناخوش آیند بیاید؟ آیا این نشانه نوعی ذوق، خود او هم زده است؟

در ۱۷۷۳، آکی‌ناری تصمیم گرفت که از تعالیم فرهنگی اساسی چینی که پیش از آن کسب کرده بود بهره ببرد و به پزشکی پردازد. او دو سال را وقف تحصیل

^۱ Katō Umaki

فشرده این هنر نمود. آنچه از آن عایدش شد، به ویژه عدم اعتمادی شدید نسبت به پزشکی و پزشکان به طور کلی و نسبت به شایستگی های شخص خود به طور خاص بود. با این حال در ۱۷۷۵ این شغل را آغاز کرد، چون باید زندگی را می چرخاند و شروع کرد به کار پزشکی به شیوه ای کاملاً شخصی و غیر معمول از هر نظر در زمانه خودش. او پزشکی فداکار و وسواسی بود تا جایی که به محض داشتن کمترین تردید، زیر بار بدنامی های کوچک، دلایلی و سوداگری های مشکوک که سگه رایج این شغل بود نرفته و مشتریان خود را نزد همکارانش می فرستاد. داستان وعده دیدار به فصل گل داوودی درک او را از نقش پزشک در زمانی که در بر به ارزش درمانی عاطفه انسانی بجز موارد درمان اعتقاد داشت می بینیم. در شرح حال و وسیله زندگی مناسبی بود، زیرا که در ۱۷۸۰ توانست خانه تازه ای بسازد. اوقات بیکار را به مطالعه می گذراند و به طور مرتب تفسیرهایی درباره نویسندگان کلاسیک، گذشته، شعر و حتی قصه های تازه منتشر می ساخت. با این حال خوشبخت نبود و با وسایل علمی و حساسیت شدیدش، از ناکامی های شغلی که تنها موقعیت ابتدایی آگاهی های پزشکی زمانه قادر به بیان رسای آن است رنج می برد، اما نادانی خود و عدم مهارت انگ تانش را عامل ناکامی ها می دانست. علاوه بر آن بینایی اش کاهش می یافت و شعاع است، سازگار از پیش او با جامعه ناسازگارتر می شد و او را دچار بدبینی بیش از پیش مردم و تریز می ساخت چنان که دوستانش او را «تندخو» لقب داده بودند. آکی ناری با مشورت زبان شناس عصر موتو آری نوری ناگاکا^۱ وارد مشاجره ای شد و نوشته هایی همچون «رعایا» از ملائمت میان شان رد و بدل شد و ترکیب های تازه ای را که نوری ناگاکا از زبان کس پیشنهاد می کرد خیال بافانه ارزیابی کرد. استدلال های آکی ناری که در گوشه و کنار با لحن انتقادی شدیدتری از حریف اش کوبیده شده، گاه به خاطر دقت منطقی اش انسان را به شگفتی وامی دارد. بدبختانه شور و هیجان او را به حملات شخصی و نوشتن

^۱Motoori Norinaga

پرت و پلا می کشاند. تقریباً در همین زمان یعنی احتمالاً سال ۱۷۷۶ بود که نسخه اصلی *Ugetsu* منتشر شد.

در سال ۱۷۸۸ دختر بچه‌ای که در مانس به او سپرده شده بود، به دنبال اشتباه در تشخیص بیماری در گذشت. پدر دخترک که از علت مرگ بی‌خبر بود با این حال به ابراز اعتماد و دوستی نسبت به پزشک ادامه داد. این دیگر زیاده‌روی بود. آکی‌ناری تصمیم گرفت که پزشکی را به طور کامل رها کند تا یک سره خود را وقف کارهای پزشکی بگذارد. با این حال زندگی کردن از راهی که برای وقت‌گذرانی و سرگرمی هم به سختی شانزدهانه تلقی می‌شد، دشوار بود. با وجود آثار بسیاری که به چاپ رساند و حتی برای تجدید چاپ‌ها، به ندرت پولی فراهم می‌شد. آکی‌ناری اندیشید که زندگی‌اش را در کیوتو پیدا کند. او در ۱۷۹۳ به پایتختی رفت و در آن مستقر شد که در زمان مرگ الزامی به ترکش نداشت. اما در آنجا زندگی ناپایداری داشت، یک به یک با «سایب کشی» و گاه در معابد ساکن بود و گاه در خانه یکی از مریدانش. مرگ همسرش او را به تلاش و تقویاً نایباً به جای گذاشت. لحظه‌ای به خودکشی اندیشید، اما خود را جایی نرساند. سرد تا باز هم دوازده سال دیگر زندگی محقر و پرتلاشی را بگذراند و همچنان کارهای تازه حکیمانه‌ای منتشر کند. او به سال ۱۸۰۹ در گذشت. هنوز هم می‌توان مزار او را در محله معبد بودایی سایبی فوکو-جی دید. بر لوح سنگی مزارش یکی از ده‌ها نام مسلمان و بی‌بی او ادا موچو^۱ حک شده است.

اوگتسو - مونوگاتاری

ژاپنی‌ها هرگز به روشنی رمان را از قصه و حتی از حکایت تاریخی متمایز نساخته‌اند. واژه *monogatari* به معنای «حکایت» همان‌طور که در مورد رمان عظیمی همچون «حکایت گنجی» *Genji-monogatari* به کار رفته است، در مورد مجموعه

^۱ Ueda Muchô

قصه‌ها و حکایت‌های افسانه‌ای نظیر *Konjaku-monogatari* نیز استفاده شده است. در حالی که آنچه در ادبیات معاصر *Shōsetsu* در معنای «رمان» (یا معنای ادبی «حکایت کوتاه») نامیده شده شکلی ادبی است که بیشتر با «نول» یا داستان کوتاه ما همخوانی دارد. به تازگی تفاوتی میان «رمان‌های بلند، متوسط و کوتاه گذاشته‌اند. این تفاوت در مجموع پاسخ‌گوی آن مفاهیمی است که ما با واژه‌های رمان، داستان کوتاه و قصه نشان می‌دهیم.

در عصر خاندان توکوگاوا، دیگر *monogatari* نمی‌نوشتند، این واژه برای کارهای کلاسیکی به کار می‌رفت که بین قرن نهم و قرن پانزدهم نوشته شده بود. با این وجود آکی ناری برای دو مجموعه از کارهایش این واژه را به کار می‌گیرد. یکی *Harusame-monogatari* «قصه‌های باران و ماه» و دیگری *ukiyo-zōshi* «قصه‌های باران باری». منظور آکی ناری از این کار این بود که نشان دهد که به سرچشمه‌های کلاسیک باز می‌گردد و این که با شکل ادبی *ukiyo-zōshi* و همزمان با آن ترجمه‌های رمان‌های چینی که همچنان با اقبال روبرو بود، قطع رابطه می‌کند. آکی ناری زبان‌شناس به خدمت اکر ناری نرسیده درمی‌آمد تا دانش عمیق خود را در زمینه ادبیات کهن ملی در اختیار او بگذارد و موجباتی فراهم آورد تا در این ادبیات سبکی و مجموعه واژه‌هایی بیابد. چنین اقدامی به ما به شکست می‌انجامد و در نهایت جز تقلیدهای سطحی حاصلی ندارند و تکلیف‌ها می‌تواند ظاهری باشد.

اما آکی ناری پیش از آن که خود را در تقلید از گذشتگان رها کند، ثابت کرده بود که توانایی آن را دارد که مانند هر چیز دیگری ادبیاتی به اسلوب جدید به وجود آورد. نخستین قصه‌هایش به واقع ارزش آن را دارند که جایگاهی مهم‌ترین *ukiyo-zōshi*ها داشته باشند. او این قصه‌ها را با نام وایاکو-تارو^۱ یعنی «تارو مترجم» منتشر کرده بود و آنچه انتخاب این نام مستعار را توجیه می‌کرد، بی‌شک آن بود

^۱ Wayaku-tarō

که او از سرچشمه‌های چینی بهره برده بود. اما به نظر می‌آید که نام وایاکو-تارو را باید آکو-تارو^۱ به معنای «لوده» خواند. هشداری به خواننده که خیلی نباید او را جدی گرفت و از این که الگوهایی را با آزادی کامل به کار گرفته نرنجد. نام‌های مستعار گوناگونی که او به کار می‌برد کمتر از اینهایی که گفته شد آموزنده نیستند. مجموعه او گتسو-مونوگاتاری دارای امضای زن‌شی کی جین^۲ است که می‌تواند به «موریت» علیلی با انگشتان کج و کوله^۳ خوانده شود. اما می‌توان آن را «هرس کتنا» جنون‌آمیز شاخه‌ها^۴ نیز خواند که ما آن را «مته‌گذار به خشمخاش» می‌گوییم. بعدها او نام «ارامو جو کوچی» به معنای «خرچنگ» را ترجیح داد، زیرا می‌گفت که: «مرد به خط راست راه می‌روند، اما من کجکی راه می‌روم». این اصرار در مبتکر و عجیب و سرسبز شدن خود و در همان حال تکیه بی‌وقفه بر پوچی کارش، قطعاً خواننده را دعوت می‌کند به جنبه معکوس موضع‌گیری او را به حساب آورد. تنها خواننده‌ای سطحی می‌تواند خود را به دست نتیجه‌گیری‌های اشتباه بسپارد و با این جناس‌های زننده سرگرم شود. در واقع در آثار آکی‌ناری طنزی بسیار عمیق هست که به هر چیزی غیر از شیوه‌های «رمانانه خویش حمله می‌برد».

در چنین شرایطی *Ugetsu* نمی‌بایستی در ضمیر او تنها تمرین ساده‌ای در زمینه سبک تلقی می‌گردید. یقیناً او به این مجموعه اه‌تار^۵ دی می‌داد زیرا که حداقل هشت سال صرف پرداخت آن کرد. از دور که بن‌گیم^۶ از این تمام آثارش، این از همه دقیق‌تر است. بی‌شک او آن را همچون بیانیه ادبی خریش تلقی می‌نمود و همچون الگویی به جانشینانش پیشنهاد می‌کرد. درسی که پسین^۷ آکوری^۸ داد، فراموش نشد، زیرا *Ugetsu-monogatari* در ادبیات ژاپن نوع افندی^۹ تازه‌ای را به ارمغان آورد که *ymibon* یا «کتاب‌های خواندنی» نامیده شده و در آغاز قرن

^۱ Aku- tarô

^۲ Zenshi kijin

^۳ Muchô koji

نوزدهم بوسیله باکین^۱ به شهرت می‌رسد که البته بدون *Ugetsu* هرگز به سنگینی شیوه نگارش آکی‌ناری نرسیده است.

چرا آکی‌ناری برای ارائه کارخوبش، شکل قصه و هم‌آلود را برمی‌گزیند؟ احتمالاً به این دلیل که زمینه‌ای کاملاً مردمی داشته است. فرهنگ مردم و ادبیات ژاپن پر از داستان‌های اشباح، دیوان و رویاهان و جانوران دیگر است. مجموعه‌هایی به این دست را دیگر نمی‌توان شمرد و هنوز به روزگار ما مجموعه‌هایی به این سبک، ترتیب داده می‌شود. پس از تئاتر *nô* که حداقل چهار پنجم مواد خود را از این نوع ادب، اخذ نموده، تئاتر *jôruri* و *kabuki* پیوسته از منابع آن برداشت کرده است. در قرن جدهم میلادی، به ویژه دهها مجموعه از قصه‌های ژاپنی یا قصه‌های *Ugetsu* به بی‌شماری که بر پایه ویش و به دقت اقتباس شده بود منتشر شده بود. اما عموماً قصه‌هایی بودند که نیانه پرداخت شده و مطالب یکسانی در آنها تکرار شده بود. خلاصه آن که نمونه‌های شاهکاری می‌رفت. این شاهکار را آکی‌ناری با *Ugetsu* پیشکش نمود. او از منابع تعلیمی که در اختیار داشت، نه موضوع را برگزید و از آنها گلچینی درست کرد که پس از آن در سبک قصه‌های و هم‌آلود جزء مجموعه‌های کلاسیک در ژاپن درآمد. تمام انواع شیخ‌ها در این مجموعه عرضه شده‌اند و هر کدام تنها یک بار. تنها موضوع، ربه آن نیامده، شاید به این دلیل که مؤلف آن را فوق‌العاده سطحی و پوچ ارزیابی کرده و ربه آن به آن خاطر که نسبت به ایزد-روایه‌ای ناری ترس آمیخته به احترامی احساس می‌کرد که از آن آگاهیم.

در تفسیر قصه‌ها که پس از خود قصه‌ها می‌آیند نشانه‌ای از منابع را خواهیم یافت. تنها دین آکی‌ناری به این منابع مضمون است. الهام از جای دیگر است. سبک را از ادبیات کلاسیک الهام می‌گیرد و فضای مذهبی یا زیباشناسی را از تئاتر *nô* و در واقع همچون تئاتر *nô* بیشتر زیباشناسانه است تا مذهبی، مثلاً قصه شیرامی^۲ نه تنها تئاتر *nô* ایست که تغییر مکان داده و به صورت قصه درآمد است. ساختن

^۱Bakin

^۲Shiramine

تاتار *nô* با قصه‌های «کلبه‌ای در نیزار» و «بوب پوسو» که هریک معادل‌هایی در مجموعه نمایشنامه‌های *nô* دارند کار آسانی خواهد بود مانند دلدادگانی که رنج و محنت‌شان در پیوند با یادبودهای عاشقانه یا شیخ رزمندگانی است که به قتلگاه خود می‌آیند. متن داستان *هوا* و *هوس* پلید یک مار رابطه میان آن و *Dôjô-ji* از تاتار *nô* را نشان می‌دهد. تاتار *nô* با زنان حسودی که به صورت ارواح انتقام‌جو درآیند یا با جنونی در اثر مصیبتی خاص نیز آشناست.

در مقابل، روح طلا ابداع خود آکی ناری است، در حالی که تاتار *nô* «ارواح اشیاء» را در نمایشنامه‌ها *Yuki* یا درخت موز (*Bashô*) به صحنه می‌آورد.

ترکیب قلم‌ها نیز اصول تاتار *nô* الهام می‌گیرد مانند تجلی شیخ‌ها که با خلق دقیق فضا به مصداق تدارک دیده می‌شود و تنها جای نسبتاً محدودی را در مجموعه اثر اشغال می‌کنند. تجلی شیخ در لحظه‌ای اتفاق می‌افتد که هیجان به بالاترین درجه خود می‌رسد. در سبک *می‌نه* و با شلق آبی حتی شکل تاتار *nô* نیز با وسواس رعایت شده است. بنا بر آنکه مؤلف، با آغاز هریک از این دو قصه با *michiyuki* یعنی «آواز سفر» که عناصر ادبی و ناگزیر در تمام نمایشنامه‌های *nô* است و به طور منظم پرداخته می‌شود بر این تأثیر صحنه می‌گذارد.

این تأثیر تاتار *nô* را حتی در عنوان مجموعه *Ugetsu* برای ژاپنی‌ها واژه‌ای سنگین بار است. به لحاظ ادبی به معنای «ماه باران» است که آکی ناری در پیشگفتار آنها را با هم متحد ساخته و می‌گوید که باران تازه شروع شده است و ماه نیمه پنهان در مه است، زمانی مناسب برای پیدایش اشباح برای آن که هیچ اشتباهی پیش نیاید، زیر عنوان ژاپنی اثر تأکید شده است: «قصه ماه باران و آلود». *Ugetsu* ضمناً «ماه باران‌ها» نیز معنا می‌دهد یعنی پنجمین ماه از تقویم قدیم که تقریباً معادل پایان ماه ژوئن و آغاز ژوئیه یعنی ماه باران‌های موسمی و فصلی فوق‌العاده در پدیدار شدن موجودات ماوراءطبیعی است. و بالاخره این عنوان یک نمایشنامه

no است که در آن راهب *Saigyo* را می بینیم، همانی که در داستان شی رومی به نخستین قصه مجموعه به او برخورد می کنیم، قصه ای که با برهان های شاعرانه، مشاجره میان پیرمردی را که در شی بارانی و مهتابی مایل است در بجه های حایل پنجره اش را ببندد و زنش که ترجیح می دهد باران بخورد تا بتواند ماه را نظاره کند، فیصله می دهد. در بیشتر قصه های اوگسو خواهیم دید که ماه در تدارک حال و هوای قصه نقش اساسی بازی می کند. برای ترجمه عنوان اثر، و به خاطر حفظ تمام ارزش القا کننده غزل، و رعایت ملاحظات که هم اینک بررسی نمودیم، من عنوان قصه های *باران و ماه*، برگزیده ام، عنوانی که اگر غنای کمتری نسبت به عنوان ژاپنی دارد، حداقل این برتن را دارد که یکی از تغییرهای ممکن را در جهت حذف تعبیرهای دیگر تعیین نموده است.

اوگسو یک الچیه قصه ها و هم آلود و در عین حال گلچین شیوه نگارش ادبی است. این شیوه ها برای سبک از قصه ها در بخش تفسیر قصه ها بررسی خواهند شد. موجب خوشنودی من است که توجه ارا نیز در این جا خلاصه کنم، از این قرار که: آکی ناری بر حسب مورد مراقب است که با الگوی موجود را مو به مو دنبال کند، یا آن که خطوط اصلی یک موضوع را می گیرد و آن را آزادانه بسط می دهد، یا آن که از حکایتی پیش پا افتاده آغاز می کند و آن را به سخت و زیبا کرده و به صورت حکایتی خلاصه شده در چند سطر از متنی ذهن بند و نامعین های کپور آن چنان که در رؤیا... در می آورد. تردیدی نیست که چنین تنوع در نحوه ارائه موضوع اش حاصل گریز نیستی باشد که به سنجیدگی اندیشیده است. مولف قصه ها را خواسته ثابت کند که بخش ابداع شخصی هر چه بود، تا حد تقریباً ناچیزی می توانست کاهش یابد و بنابراین همواره امکان پدید آوردن اثر ادبی اصیلی وجود داشت.